

مقدمه مترجم

ادبیات فرانسه که در طول یک دوره پانصد ساله (از رنسانس تا آخر قرن بیستم) به جایگاه والایی رسید، در هر قرن و دوره چهره‌ای خاص داشته است و در تعامل با ادبیات و فرهنگ و اندیشه ملل سایر کشورها، به خصوص آلمان، انگلستان، روسیه و جهان شرق، توانست به صورت آینه بازتاب اندیشه‌ها، احساسات و آرمانهای نه فقط ملت فرانسه بلکه، همه ملل درآید. تقریباً همه مکاتب ادبی و مشربهای فکری و هنری (اگر هم ریشه در سایر نقاط جهان داشته) در نهایت در سرزمین فرانسه نشو و نما یافتند و شکل نهایی گرفتند. تمام مکاتب مشهور از باروک و کلاسیسیسم گرفته تا رماتیسیسم، ناتورالیسم، رئالیسم و بالاخره سمبولیسم و غیره را می‌توان در ادبیات فرانسه بازیافت. در این دوره پانصد ساله، قرن نوزدهم رنگ و چهره ویژه‌ای دارد: در این قرن عجیب فرانسه چند نظام سیاسی گوناگون و متناقض را تجربه کرد (سه انقلاب، دو دوره نظام سلطنتی، یک امپراتوری و دو جمهوری) که می‌توان تحولات فکری، ادبی و سیاسی این قرن را به نسبت مقاطع تاریخی مشخص نیز مرور کرد.

در سال ۱۸۰۰، یازده سال از انقلاب کبیر فرانسه گذشته، انقلابی که به عمر نظام سلطنتی چند صد ساله فرانسه پایان داد و با شعار «آزادی، برابری و برادری» جهان خفته را بیدار کرد. سپس در گرماگرم مبارزات گروههای انقلابی و چنددستگیهای سیاستمداران و اندیشمندان و آشفته‌گیهای توده‌های محروم و منتظر جامعه‌ای بر مبنای عدالت، ناگهان یک نظامی جوان و جسور پا به میدان گذاشت و قدرت سیاسی را قبضه و عملاً انقلاب را خفه کرد و راه را بر تحولات منطقی آن بست. با این تغییر وضع ناگهانی، فرانسه به مدت ۱۵ سال به جنگی (ابتدا تدافعی در برابر فشارهای خارجی) و سپس لشکرکشیهای جاه‌طلبانه کشیده شد؛ جنگی که نه فقط

اقتصاد فرانسه را ویران کرد، بلکه به قیمت جان یک میلیون فرانسوی فعال تمام شد و عاقبت زمانی که ناپلئون به دست سلطنت‌طلبان نظام قدیم و متحدان خارجی آنها توقیف و خلع و تبعید شد ملت فرانسه خود را در فضایی غرق در فقر و بیکاری و حسرت انقلاب از دست رفته یافت.

پس از ناپلئون، سلطنت‌طلبان انتقامجو، دست در دست کلیسای تحقیر شده از جانب انقلابیون و ناپلئون دوباره بر کشور مسلط شدند و دیکتاتوری و استثمار تازه‌ای آغاز شد. نفوذ مجدد اشراف و طبقات ممتاز، سالنهای ادبی طبقه اشراف، سلطه کلاسیسیسم در عرصه تئاتر، همه اینها که با اولین ضربات انقلاب از هم فرو پاشیده بود دوباره بساط خود را گسترده کردند.

بحث تفصیلی درباره تحولات سیاسی و اجتماعی قرن نوزدهم را باید جداگانه در کتب بی‌شماری که در این مقولات نوشته شده‌اند تعقیب کرد. در اینجا اشاره‌ای اجمالی به تحولات ادبی مورد نظر ماست:

- در فاصله سالهای ۱۸۰۰ و ۱۸۲۰ که به عصر رمانتیسم اولیه شهرت یافته است با دو چهره خلاق و درخشان در عرصه ادب مواجه می‌شویم، یعنی مادام دواستال و شاتوبریان.

- در فاصله سالهای ۱۸۲۰ و ۱۸۵۰ نهضت رمانتیسم به رهبری ویکتور هوگو برای گسستن قیدوبندهای مکتب کلاسیک و برای آزادی اندیشه در عرصه تئاتر کوشید. هوگو، لامارتین، وینی و موسه از چهره‌های درخشان این دوره‌اند.

- در فاصله سی ساله ۱۸۵۰-۱۸۸۰ دو مکتب پرتوان در عرصه رمان ظهور کرد که منشأ خلق صدها اثر داستانی پراج شدند. این دو مکتب عبارت بودند از ناتورالیسم و رئالیسم با چهره‌های درخشانی نظیر زولا، بالزاک، استاندا و فلور.

- در ده ساله آخر قرن، مکتب جدیدی به نام سمبولیسم (نمادگرایی) به خصوص در عرصه شعر تحول تازه‌ای در سبک و بیان ادبی به وجود آورد و شاعران بزرگی از جمله بودلر، رمبو و ورلن با آثار خود بر این سبک نو مهر اعتبار زدند. بستر اجتماعی، اقتصادی و علمی قرن نوزدهم نیز آن‌چنان غنی و متنوع است که گویی نه یک قرن بلکه چند قرن را در یک برهه صد ساله در هم فشرده‌اند. انقلاب ۱۷۸۹ با

طرح مسئله عدالت و آزادی و دموکراسی، بنیانی برپا کرد که حتی با آغاز سلطه امپراتوری ناپلئون و بعدها با بازگشت نظام سلطنتی و کلاً در تمام قرن نوزدهم از اعتبار و حرمت آن کاسته نشد، به طوری که هر گروه و حزب و جریان سیاسی مجبور بود برای رونق بازار خود شعارهای اولیه انقلاب را بپذیرد یا دست کم خود را به آن متعهد نشان دهد.

در قرن نوزدهم، گسترش آموزش و پرورش و محو تدریجی بی‌سوادی (به طوری که در پایان قرن تعداد بی‌سوادان منحصر به درصد ناچیزی از روستاییان سالخورده بود)، گسترش راههای ارتباطی (جاده‌های بزرگ و راه آهن)، ظهور سینما، پیشرفت علوم (پژوهشهای پزشکی پاستور، کشف رادیو آکتیویته، اختراع دوچرخه، حتی ساخت مقدمات صنعت هواپیما و غیره)، گسترش صنعت چاپ، ایجاد خبرگزاری هاواس (Havas)، رونق روزنامه‌نگاری و اطلاع‌رسانی مستمر به توده‌های مردم، رشد جهشی انتشار کتاب (از ۲ هزار در آخر قرن هجدهم به ۱۵ هزار در آخر قرن نوزدهم) و غیره که همه این تحولات بیش از ظرفیت یک قرن به نظر می‌رسد، در واقع پایان دنیای قدیم و آغاز جهانی جدید است.

حقیقت امر این است که بدون مطالعه دقیق قرن نوزدهم فرانسه در همه ابعاد آن، شناخت قرن بیستم ممکن نیست. آنچه در این کتاب مورد توجه است سیری در اندیشه‌ها، سبکها و آثار ادبی گوناگونی است که در تاریخ پانصد ساله ادب فرانسه برجستگی خاصی دارد.

خوشبختانه آثار ادبی فراوانی مربوط به این قرن در ایران، طی دهه‌های سی، چهل و پنجاه شمسی به فارسی برگردانده شده و البته هنوز شمار زیادی آثار پراج ادبی قرن نوزدهم فرانسه باقی است که منتظر مترجمان نسل جدید است تا آستین همت بالا زنند و به ترجمه آنها اقدام کنند.

کتاب حاضر که از سوی پنج تن از اندیشمندان و ادبای بنام فرانسه تألیف شده است، از نظر ساختاری شباهت چندانی به تواریخ ادبی متعارف ندارد و پیش از آنکه مرور تاریخی و منظم بر ادبیات قرن نوزدهم فرانسه باشد نقد ادبیات این قرن است و بنابراین سبک بیانی آن عالمانه و پیچیده است، به طوری که مترجم را مجبور

کرد که برای به دست دادن یک متن فارسی قابل فهم، در عین وفاداری به سبک و بیان متن اصلی به پس و پیش کردن جملات و حتی پاراگرافها اقدام کند تا حاصل کار برای خواننده ایرانی متنی منقح، صحیح و روان باشد. امیدوارم این کتاب ارزشمند مورد استفاده دانشجویان رشته‌های فرانسه و علاقه‌مندان به حوزه ادبیات جهان قرار گیرد.

افضل و ثوقی